

quq” (Terminology of law) (vol. 4) (1st ed.). Tehran: Ketābxāne-ye Ganj-e Dāneš.
[Persian]

Rafat, Ahmad. (1300AH/1883). **“Loqāt-e tārixīyeh va joqrāfiyeh”** (Historical and geographical dictionary) (vol. 4). Eslāmbol: MahmoudbeygMatbaʿe-ye Si.[Persian]

Sami, Shams Al-Din. (1311AH/1893). **“Qāmusol-a’lām”** (General encyclopedia of history and geography) (vol. 4). Eslāmbol: MehrānMatbaʿe-ye Si.[Persian]

Sezen, Tahir. (2006). **OSMANLI YER ADLARI**. Ankara: BAŞBAKANLIK DEVLET ARŞİVLERİ GENEL MÜDÜRLÜĞÜ YAYIN NO: 26.

Articles

Abrahamian, Ervand. (1380/1999). “Mo’arrefi-ye yeksanad: Tejāratdar Qadim-ol-ayyāmdarvelāyāt-e šomāli-ye Irān” (Introduction of a document: Trade in ancient times in the northern provinces of Iran). Translated by MahmoudAvvadza-deh, & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: **Tārix-e Mo’āser-e Irān**, 5(18), pp. 181 – 194. [Persian]

Press

Axtar: year 12, issue 58, 24 Dhū al-Qa’ dah 1303 / 21 August 1886; year 13, issue 23, 13 Jumādā al-Thānī 1304 / 9 March 1887.[Persian]

Čehre-namā: year 6, issue 16, 1 Dhū al-Ḥijjah 1327 / 14 December 1909.[Persian]

Ehsāeeye-ye Tejāratī-ye Irān: vol. 2, from 30 Esfand 1292 / 21 March 1914 to 28 Esfand 1293 / 20 March 1915.[Persian]

Hekmat: year 8, issue 11, the beginning of Jumādā al-Awwal 1317 / 7 September 1899.
[Persian]

Ketābče-ye Koll-e Tejārat: from 1 Farvardin 1288 / 21 March 1909 to 29 Esfand 1288 / 20 March 1910.[Persian]

Parvareš: 1st year, issue 25, 18 Ša’ bān 1318 / 11 December 1900.[Persian]



women 's agencies in water resources endowments (case study: Endowments of Qajar era in kerman)

Azam Alikhani¹ | Mohammad Homayonsepehr² | Vahid Rashidvash³

Abstract:

Purpose: Understanding dynamics of the socio-economic system of endowment (Waqf), especially in the Qajar era of Iran, with the semiotics of the deeds of endowment. With its religious, social and economic themes in the arid land of Iran in general and Kerman province in particular, such deeds demonstrate the importance of the social status of women

Method and Research Design: The present study was conducted with an anthropological method focusing on the historical approach and the method of cultural semiotics using observation techniques in the Kerman's Endowments Office. In addition, 168 deeds of endowment belonging to women with water resources and 11 items of the supplement records were examined. Theoretical sampling and Giddens' meta-theory in the in the concept of agency and its integration with Hewson and Moren theory were adopted in the present project.

Findings and Conclusions: Women's access to water resources was an opportunity for women's agency multiple levels and it is based on foundations of agency.

Keywords: Endowment; Women's Agency; Ownership; Kerman, Water Resources.

Citation: Alikhani, A., Homayonsepehr, M., Rashidvash, V. (2021). women 's agencies in water resources endowments(case study: Endowments of Qajar era in Kerman). *Ganjine-ye Asnad*, 31(3), 26-54 | doi: 10.30484/ganj.2021.2717

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD Student in Anthropology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, I. R. Iran
alikhani58aa@gmail.com

2. Assistant Professor, Department Of Anthropology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author)
mhomayonsepehr@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department Of Anthropology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, I. R. Iran.
rashdvash@yahoo.com

Copyright © 2021, NLAJ (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«123»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2021.2717

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 3, Autumn 2021 | pp: 26 - 54 (29) | Received: 20, Mar. 2020 | Accepted: 21, Aug. 2020

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

عاملیت زنان در وقف نامه‌های رقبات آبی (مورد مطالعه: وقف نامه‌های دوره قاجار در کرمان)

اعظم علیخانی^۱ | محمد همایون سپهر^۲ | وحید رشیدوش^۳

چکیده:

شناخت پویایی سامانه اقتصادی-اجتماعی وقف در ایران به‌ویژه در دوره قاجار، با نشانه‌شناسی وقف نامه‌ها امکان‌پذیر است. این سامانه فرهنگی با بن‌مایه‌های مذهبی، اجتماعی، و اقتصادی در اقلیم خشک فلات مرکزی ایران و از جمله در شهر کرمان، دسترسی زنان به منابع آب را گواهی می‌دهد. **هدف:** شناخت ذهنیت زنان در این سامانه فرهنگی و چگونگی عاملیت آنان در شرایط دسترسی به منابع آب.

روش / رویکرد پژوهش: روش تحقیق حاضر انسان‌شناسی تفسیری با رویکرد تاریخی است و روش نشانه‌شناسی فرهنگی مقاله، استفاده از تکنیک مشاهده در واحد اسناد «دفتر موقوفات ایالت کرمان» شامل ۱۶۸ فقره وقف نامه زنان دارای منابع آب، و ۱۱ برگ سند مکمل مرتبط است. این پژوهش با نمونه‌گیری نظری و نگاهی به مفهوم عاملیت در فرآیند گیدنز و تلفیق آن با نظریه هیوسون درباره عاملیت و مفهوم مرگ آگاهی از ادگار مورن انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: دسترسی زنان به منابع آب، فرصتی برای عاملیت زنان در سطوح چندگانه و مبتنی بر پایه‌های عاملیت است.

کلیدواژه‌ها: وقف؛ منابع آب؛ عاملیت؛ زنان؛ مالکیت؛ کرمان.

استناد: علیخانی، اعظم، همایون سپهر، محمد، رشیدوش، وحید. (۱۴۰۰). عاملیت زنان در وقف نامه‌های رقبات آبی (مورد مطالعه: وقف نامه‌های دوره قاجار در کرمان). *گنجینه اسناد*، ۳۱(۳)، ۲۶-۵۴.

doi: 10.30484/ganj.2021.2717

۱. دانشجوی دکتری مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
alikhani58aa@gmail.com

۲. استادیار گروه مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران،
(نویسنده مسئول).

mhomayonsepehr@yahoo.com
۳. استادیار گروه مردم‌شناسی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
rashdvash@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۳۳»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): 10.30484/ganj.2021.2717

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۰ | صص: ۲۶-۵۴ (۲۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۳۱

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه و بیان موضوع

افزایش تقاضا و درمقابل روند کاهش منابع در اثر توسعه در عصر حاضر ضرورت برابری فرصت‌ها و امکان‌های برابر جنسیتی را می‌طلبد (خلیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶). به دلیل تغییرات اقلیمی و در نتیجه خشک‌سالی و کاهش منابع آب، دسترسی به منابع آب موضوعی جهانی شده است و در سال‌های اخیر، دسترسی به منابع آب به عنوان دسترسی به قدرت، در سیاست‌گذاری‌های آبی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (warner, 2004, p13).

FAO^۱ در راستای برابری جنسیتی و مدیریت یکپارچه و پایدار منابع آب، از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰م مشارکت جهانی آب (GWP) را با عنوان «دسترسی زنان به منابع آب» در فهرست اولویت‌های راهبردی‌اش قرار داده است. در این راستا اتحادیه جنسیت و آب (GWA)^۲ مبتنی بر اهداف توسعه پایدار، مشارکت و دسترسی عادلانه زنان به منابع آب را در برنامه‌ای بانام women 2030 طراحی کرده است که نگرش حاکم بر آن، دسترسی پایگاه جنسیتی زنان به منابع آب است. یکی از اولویت‌های این امر، در توجه به شرایط فرودستی جنسیتی زنان در دسترسی به ساخت قدرت ریشه دارد (میل، ۱۳۹۷؛ خلیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷؛ احمدنیا، ۱۳۹۴، ص ۳۳).

اهداف این قبیل برنامه‌ها دستیابی به مشارکت کامل و مؤثر زنان، ایجاد فرصت‌های برابر و تغییر در قدرت و وضعیت زنان در چارچوب روابط افراد در خانه، اجتماع و حوزه‌های عمومی است (Grant, 2017, p29). این فرصت‌های برابر برای زنان با دستیابی به دارایی و یا حق دسترسی محقق می‌شوند؛ زیرا دارایی، منابع و حقوقی است که کنش‌گران اجتماعی در اصول دارا هستند؛ ولی دسترسی و بهره‌مندی^۳ - که منشأ آن از حق دارایی است - به هر آنچه اطلاق می‌شود که کنش‌گران اجتماعی واقعاً و در عمل به دست می‌آورند (زند رضوی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷).

مطالعات علوم اجتماعی، میزان دسترسی برخی اقشار اجتماعی به عرصه‌های عمومی و مشارکت آنان در آن عرصه‌ها را کمتر از دیگر اقشار، دیده‌اند و زنان را از آن دسته تشخیص داده‌اند (علی‌رضانژاد و سرائی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶). این یافته‌ها، نشانگر محدودیت دوسویه زنان در حیات اجتماعی و نیز دسترسی‌شان به حقوق و منابع قدرت در حوزه‌های مختلف است و بیانگر غلبه گفتمان‌های مردانه و فقدان عاملیت‌های زنانه و یا اهمیت اندک فعالیت این گروه در بسترهای اجتماعی و دینی است (ناجی راد، ۱۳۸۲؛ عبدالهی، ۱۳۸۷). البته برخی از پژوهش‌گران بر عاملیت زنان در برخی عرصه‌های زندگی - با وجود دسترسی نداشتن زنان به منابع قدرت - اذعان دارند (رحمانی و فرحزادی، ۱۳۹۴). بایستی یادآور شد که مطالعاتی از این‌گونه، الگوهای سطح دسترسی زنانه را به فضاهای خاص

1. Food and Agriculture Organisation
2. Global Water Partnership
3. Gender and Water Alliance
4. Entitlements



زنان منوط دانسته‌اند (علی‌رضانژاد و سرائی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶، به نقل از دیویدف) و یا عاملیت زنان را از نوع نامحسوس و نهان و گاه در قالب گونه‌های متناقض در محیط‌های خصوصی برشمرده‌اند (نادری، ۱۳۹۳).

در تداوم مطالعات فوق، جستار حاضر، با تکیه بر مالکیت منابع آب در پایگاه جنسیتی زنان به عاملیت این قشر در هر دو سپهر عمومی و خصوصی با تمرکز بر سنت وقف در دوره قاجار پرداخته‌است. دلیل اصلی تمرکز بر دوره قاجار، تمرکز بر دوره‌ای تاریخی است که مهم‌ترین شناسه آن، عصر پیشامدرن در ایران -با رمزگان فرهنگی پیش از تسلط مدرنیته- است. هم‌چنین مردمان این دوران خشک‌سالی‌ها و در نتیجه قحطی‌های سختی را تجربه کرده‌اند که شدت این قحطی‌ها در اقلیم‌های خشک مانند فلات مرکزی ایران و به‌ویژه کرمان دشوارتر بوده‌است. خودآگاهی زنان ایرانی در زمینه حقوقشان و دسترسی به منابع تحت مالکیتشان در عریضه‌های متعددی که به‌ویژه در دوران مشروطه روانه مجلس شورای ملی کرده‌اند گواه دادخواهی آنان درباره تملک واقعی منابع است: «وای به حال ما؛ نان که نداریم، آب که نداریم، امنیت که نداریم، مواجب که نداریم، پس چه کنیم؟ پس چه دارید که بگوئید!» (فصیحی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹، به نقل از ندای وطن، ۱۳۲۵ ق).

دستیابی زنان به منابع آب در فرهنگ و اقلیم کرمان دو گونه بوده‌است: ۱- مهریه (صداق)؛ ۲- ارث (ساکما: ۴-۲۸۰-۹۹؛ ۵-۲۸۰-۹۹؛ ۱۴-۲۸۰-۹۹؛ ۳۳-۲۸۰-۹۹؛ ۱۰۷-۲۸۰-۹۹؛ ۹۹-۲۸۰-۴۵۷؛ ۹۹-۲۸۰-۹۹). پیشینه این شیوه مالکیت زنانه منابع آب و وقف این منابع توسط زنان به سال‌های پیش از دوران قاجار برمی‌گردد. در دوران حکومت قراختانیان بر کرمان، ترکان‌خاتون قراختانی از حاکمان زن مغول، مهریه خود را از میراث همسرش مطالبه کرد و بعد از دریافت، آن را برای ساخت مدرسه قبه سبز وقف کرد (امامی خویی و تقوائی، ۱۳۹۲، ص ۱۴). سنت وقف هم‌زمان با توسعه نظام اجتماعی ایران در دوره قاجار بیشتر گسترش یافت (کائینی، ۱۳۹۱، ص ۸۱).

ذهن زنان ایرانی پیچیده است. زنان با حداقل قدرت بیشترین استفاده را از منابع در اختیارشان می‌برند (نادری، ۱۳۹۳، ص ۲۰، به نقل از پیران). بنابه این امر، شناخت استراتژی دسترسی زنان به منابع آب و مواضع کاریست آن در ایران، تأمل در «رمزگان (فرهنگ ذهنی)» (سجودی، ۱۳۹۶، ص ۳۲۴) حافظه جمعی را می‌طلبد؛ یعنی شناخت ذهنیت زنانی که دسترسی به آب را تجربه کرده‌اند و در گذر زمان آن را به کار بسته‌اند. اقلیم کم‌آب ایران و بحران جهانی تغییرات اقلیمی ضرورت بررسی منابع آب این منطقه کمتر برخوردار را بارزتر می‌کند. در این شرایط ضرورت دسترسی زنان (فرودستان اجتماعی) به منابع قدرت اقلیمی و شناخت فرهنگی این گونه دسترسی‌ها اهمیتی مضاعف دارد.

کرمان با معیشت قناتی یکی از مناطق فلات مرکزی ایران است که زنانش دسترسی به منابع آب را در قالب مالکیت تجربه کرده‌اند. این تجربه زیسته زنان در ساختار سنتی کرمان در شرایطی که بحران جهانی منابع آب، اولویت‌های مطالعاتی را در حمایت از زنان و تسهیل دسترسی‌شان به این منابع قرار داده‌است، ذهن را به شناخت تجربه‌های فرهنگی در مناطق کم‌آب سوق می‌دهد.

هدف پژوهش حاضر، شناخت عاملیت زنان دارای حق دسترسی به منابع آب در سامانه فرهنگی وقف است.

میدان مطالعه حاضر، اسناد موقوفات منابع آب متمرکز بر پایگاه جنسیتی زنان است. پرسش اصلی این جستار، شناخت فرهنگ ذهنی زنان در دسترسی به منابع آب و چگونگی تجلی عاملیت آنان در این عرصه است.

۲. فرهنگ ذهنی و عاملیت

«ذهنیت» از دیدگاه فمینیسم، کنشی اجتماعی است که در سطح خرد، «فرهنگ» و در سطح کلان، «ایدئولوژی» به‌شمار می‌رود (نرسیسیانس، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰). ولی انسان‌شناسی تفسیری و کلیفورد گیرتز (نظریه پرداز شاخص حوزه انسان‌شناسی تفسیری) فرهنگ را نظامی می‌داند که از خلال نمادهای خود، جهان را در ذهن انسان‌ها معنا می‌بخشد و آنان را به شناخت و درک آن قادر می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۶). گیرتز با این فرض که فرهنگ، فرانظریه و سندی عمومی است، هدف از تحلیل انسان‌شناختی را قابل تفسیر کردن این نشانه‌ها می‌داند (دی مور، ۱۳۹۱، ص ۲۹۱). فرهنگ‌ها، قالب‌های نمادین یا نقشه‌هایی را می‌سازند که محدودیت‌هایی را برای رفتار تعیین می‌کند و آن را در راه‌های قابل پیش‌بینی می‌اندازند. گیرتز فرهنگ را برساخته ذهنی نمی‌داند و آن را مقوله‌ای جدایی‌ناپذیر از گفتمان اجتماعی نمادین قلمداد می‌کند (بوی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۱). این طرز فکر، از حقایق ذهنی جامعه یعنی عقاید و ارزش‌ها تشکیل شده‌است. انسان‌شناسی، فرهنگ اجتماعی (نهادها و تشریفات مذهبی)، فرهنگ ابزاری (مصنوعات و مهارت‌ها) و فرهنگ ذهنی (حقایق ذهنی و قراردادهای) را به دلیل انتقال بین‌نسلی سنت می‌نامد (سجودی، ۱۳۹۶، صص ۳۱۳ و ۳۱۴).

وقف، قراردادی گویای فرهنگ ذهنی واقف است. این فرهنگ ذهنی پس از مکتوب شدن به صورت کتبی بین نسل‌ها انتقال یافته‌است و در قالب سنت در فرهنگ ایرانی ماندگار شده‌است. این سنت فرهنگی در قالب اسناد وقف (وقف‌نامه‌ها) در دوره‌های مختلف تاریخی ثبت شده‌است. این اسناد در دایره مصنوعات فرهنگی هر کدام



«نشانه‌ای با پیامی رمزگذاری شده» دارند که در نشانه‌شناسی فرهنگی به «متنی از یک فرهنگ» شناخته می‌شوند. این متون نتیجه رفتاری آگاهانه‌اند و هم قابلیت تولید و هم بازتولید را توأمان دارند. در این فرایند، آن دسته از رمزگان‌های فرهنگی را که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، سنت می‌دانند (سجودی، ۱۳۹۶، ص ۳۲۱). پویایی سنت‌ها با پذیرش، اجرا و انتقال توسط نسل‌ها انجام می‌شود و بدین شکل فرایند سنت تحت عاملیت انسانی قرار می‌گیرد.

عاملیت^۱ وضعیتی فعال است درمقابل انفعال (نادری، ۱۳۹۳، ص ۳۳). این مفهوم، میزان اراده افراد را در کنش‌های اجتماعی‌شان بیان می‌کند (جلائی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۴۷۷). گیدنز، مفاهیم عاملیت و عامل را جایگزین مفاهیم کنش و کنش‌گر کرده و در این راستا، مفهوم «موقعیت» را جایگزین نقش دانسته‌است (صدیقی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱).

۲.۱. چارچوب نظری

مردم‌شناسی تفسیری نظریه-روشی مبتنی بر فرایندهای بودن فرهنگ و کسب نظریه از داده‌های میدانی است (فکوهی، ۱۳۸۶). منطبق بر این رویکرد با نگاهی به مفهوم عاملیت در رویکرد فرایندهای یا تلفیقی گیدنز (ریتزر، ۱۳۹۰، ص ۵۹۹) که به حضور عاملیت در هر دو سطح خرد و کلان اشاره دارد و تلفیقش با نظریه هیوسون که فهم اقسام و پایه‌های اصلی عاملیت را مشخص کرده‌است و یاری گرفتن از مفهوم «مرگ‌آگاهی» که قسمی از آگاهی است و از نظرگاه دو نظریه‌پرداز (گیدنز و هیوسون) اخیر دور مانده‌است و نزد مورن یافت می‌شود داده‌های میدانی تحلیل می‌شوند.

۲.۲. عاملیت و ساخت

گیدنز فهم عاملیت را درگرو درک ساختار می‌داند و معتقد است که ساختارها، مجموعه قوانین و منابعی‌اند که در جوامع باهم همپوشانی دارند و می‌توان آن‌ها را در قالب جنسیت، قومیت، مذهب و قشربندی اجتماعی آورد (رحمانی و فرحزادی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۹). گیدنز در تبیین رابطه دیالکتیکی بین عاملیت و ساختار، معتقد است که عاملیت انسان‌ها با تکرارش در زمان و مکان به نظام‌های اجتماعی ساختار می‌دهد و به‌نوعی، اولویت تلویحی عاملیت نسبت به ساختار را بیان می‌کند (پارکر، ۱۳۸۶). او این فرایند را در قالب «دوگانگی ساختار» تحلیل کرده‌است و ساختار را محدودیتی برای عاملیت و نیز بازتولیدشده‌ای از عاملیت می‌داند (جلائی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۸۰).

1. agency



تقسیم‌بندی عاملیت در نظر هیوسون^۱ (۲۰۱۰) بر سه قسم است: ۱- عاملیت فردی: اساسی‌ترین شکل عاملیت اقدام فردی است؛ در دو سطح خرد و کلان. سطح خرد آن، زمانی است که برای خودش کنشی را انجام می‌دهد و سطح کلان به عاملیت فرد برای جامعه تعلق دارد. ۲- عاملیت نمایندگی: عاملی که به نمایندگی از کسی کاری می‌کند به مثابه وکالت شناخته می‌شود. ۳- عاملیت جمعی: هنگامی که افراد با یکدیگر همکاری می‌کنند نهادهای جمعی را ایجاد می‌کنند و به عاملیت جمعی تبدیل می‌شوند (Hewson, 2010, p23).

۳. پایه‌های عاملیت

سه پایه اساسی یا سه ویژگی اصلی باعث ایجاد عاملیت می‌شود: ۱- نیت‌مندی: انسان‌هایی که هدف‌مند یا نیت‌مند هستند. نیت‌مندی یکی از منابع عاملیت انسان به‌شمار می‌رود. این تعریف از آنجا ناشی می‌شود که فعالیت انسان بر دو گونه است: یا غیرهدف‌مند، تصادفی و ناآگاهانه است و یا هدف‌مند و نتیجه‌گراست. ۲- قدرت: انسان از منابع و توانمندی‌ها برخوردار است. ۳- عقلانیت: بشر عقلانی است. انسان از هوشش برای هدایت کارهایش استفاده می‌کند. درباره اهدافش فکر می‌کند و محاسبه می‌کند که چگونه آن‌ها را به دست بیاورد. این توانایی در تقویت عمل از طریق استدلال، تاحدی براساس کیفیت پویای رفتار انسانی است نه رفتار منفعل او. عاملان برای اقدام مؤثر، لازم است که براساس موقعیتشان تأمل کنند و بر پیامدهای اقداماتشان نظارت کنند (Hewson, 2010, p25).

گیدنز عقلانیت و کنش‌گری در اقدام کنش‌گر و عاملیت را در سه سطح تشریح می‌کند: آگاهی عملی؛ آگاهی استدلالی؛ ناخودآگاهی. در این تقسیم‌بندی، آگاهی عملی بر آگاهی استدلالی مقدم است. او بر این باور است که آگاهی استدلالی گفتاری، بازاندیشانه و گفتمانی است. عامل نیتش از کردارش را توضیح می‌دهد و یا دیگران به پرسش درباره آن می‌پردازند؛ ولی آگاهی عملی، کاربردی است و بر مهارت‌ها، عادت‌ها و فعالیت‌های روزمره و آن چیزی که در عمل عامل دیده می‌شود مبتنی است. گیدنز، آگاهی عملی را برای شناخت عاملیت عاملان، برای پژوهشگر کارتر از آگاهی استدلالی می‌داند. سطح دیگر آگاهی در نظر گیدنز، ناخودآگاهی است که انگیزش اصلی آن تولید امنیت وجودی است (صدیقی، ۱۳۸۹، صص ۱۵۱-۱۵۶). تحلیل این نوع انگیزش انسان یعنی تولید امنیت وجودی با توجه به امید واقف (عامل) به دریافت چنین پاسخی در مواجهه با مرگ را نزد ادگار مورن می‌توان یافت.

ادگار مورن در تحلیل هویت انسانی برای تفسیر من فاعلی در موقعیت عامل، نوعی دیگر از آگاهی را بانام «مرگ‌آگاهی» تعریف کرده‌است. به باور او، در مرگ، روح، آگاهی،

I. Hewson



خردورزی و اسطوره با یکدیگر روبه‌رو و درگیر می‌شوند و پیوند می‌یابند. مرگ انسان، دربرگیرنده عنصر آگاهی است و این مرگ آگاهی منطبق بر اساطیر و آیین‌های ماندگاری به شکل ادامه زندگی پس از مرگ بروز می‌یابد. این «مرگ آگاهی» با قدرت اساطیر و آیین‌ها در زندگی نیز تداوم می‌یابد. تلاقی آگاهی به خود و آگاهی به زمان، عاملی است که آدمی را به معنا متمایل می‌کند (مورن، ۱۳۹۳، صص ۵۴-۵۶) و معنا عمیق‌ترین لایه در مطالعات مردم‌شناسی تفسیری است.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر کیفی و با محوریت مردم‌شناسی تفسیری است. این روش ژرفانگر است و مستلزم مشاهده دقیق توأم با جامعیت و عینیت است. در این تحقیق هر سند برای محقق یک واحد مشاهده است (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۱). میدان تحقیق پژوهش حاضر برای فهم منطق درونی وقف و عاملیت قشر زنان واقف با نمونه‌گیری نظری (برحسب منطق ضرورت‌های صورت‌بندی نظری کار) و در هر مرحله تا رسیدن به مرحله «اشباع نظری» یا «کفایت مفهومی» استمرار یافته است. در این مسیر گردآوری داده‌ها از «دفتر ثبت موقوفات ایالت کرمان» (دماک) و اسنادی مکمل برای تکمیل فهم محقق، از تحقیقات میدانی نگارنده در نیمه اول سال ۱۳۹۸ انجام شده است.

قلمرو مکانی

قلمرو تحقیق حاضر، یکی از ایالت‌های باتجربه در تحمل جبر ساختار و اقلیم است. به دلیل معیشت قناتی کرمان، خشک‌سالی‌ها خسروانی فزون‌تر به این دیار وارد کرده‌اند. «در کرمان اگر قناتی پر شد، سال‌های سال مردم در فقر و فاقه به سر بردند تا توانستند جان تازه بگیرند. اینکه خانه‌های کرمان این قدر اتاق‌های تودرتو دارد و داخل پی و دیوارهای هر بنا کُند و انبار ذخیره گندم داشته‌اند و با پرکردن آن، روی آن را اندود می‌کردند که دشمن از وجود ذخیره در پی دیوار آگاه نشود، برای جلوگیری از قحطی‌های مداوم بوده است؛ زیرا هر خانه و خانواده می‌بایستی، ذخیره دو یا سه سال یا لاقل یک سال خود را در خانه داشته باشد» (وزیری، ۱۳۷۶، ص ۶). از این رو، روزگار و طبیعت، آموزگاران مردم کرمان در درس‌های پرخوانش تاریخی بوده‌اند.

استان کرمان بخشی وسیع از پیکره جنوب شرقی فلات مرکزی ایران است (کلاتری خاندانی، ۱۳۸۷، ص ۴۵). این استان از شمال به استان‌های خراسان جنوبی و یزد، از



جنوب به استان هرمزگان، از خاور به استان سیستان و بلوچستان و از باختر به استان فارس محدود است. این استان با معیشت قناتی در فلات مرکزی ایران (لباف خانیکی، ۱۳۸۵، ص ۲۵) براساس معیارهای تقسیم‌بندی اقلیمی کوپن^۱، سه محدوده آب‌وهوایی را داراست: آب‌وهوای خشک و کویری با میانگین بارش حدود ۱۱۵ میلی‌متر؛ آب‌وهوای سرد؛ آب‌وهوای گرم (کلاتتری خاندانی، ۱۳۸۷، صص ۴۸-۵۲).

یافته‌ها

وقف از منظر مدنی و فقهی عقدی است که طبق آن مالک، مالش را از نقل و انتقال مصون می‌سازد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۲). وقف در لغت عربی، آرام گرفتن و نگاه داشتن و حبس کردن عین ملک و مصرف کردن منفعت موقوفه در راه خداست (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، صص ۲۰۵۳۵-۲۰۵۳۶). این امر، بخششی با پشتوانه اعتقادی و ارزشی، و به‌دوراز مطالبات مبادله‌های مرسوم مادی است. هرگونه تصرف در مال وقف، تصرف در مال خداوند است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۷۵۲). پشتوانه ذهنی وقف نزد واقفان، دستیابی به توجه و لطف و بخشش «دیگری قدسی»^۲ است.

احمدی (۱۳۸۰) دیرپایی سنت وقف را به‌نقل از برخی منابع تاریخی به قبل از اسلام و به روحانیون زرتشتی و پادشاهان دوران ایران باستان منتسب دانسته است. این سنت، میراثی معنوی با ریشه‌های فرهنگی و مذهبی است و با پشتوانه اعتقادی انجام می‌شود. در این سنت اموال منقول و غیرمنقول از طریق نذر، وصیت، یا سیغه، با زمان مشخص و یا الی‌الابد به شرایط وقف درمی‌آیند.

تمرکز پژوهش حاضر بر موقوفات دارای سند وقف‌نامه است.

۴. گونه‌شناسی موقوفات زنان

در دفتر ثبت موقوفات ایالت کرمان (دماک) گونه‌هایی متنوع از رقبات^۳ وجود دارد که زنان آن‌ها را وقف کرده‌اند؛ از جمله: کف‌گیر کوچک (دماک، موقوفه مشهدی عزت‌نساء، ص ۱)، کاسه چینی و ظروف مسی (دماک، موقوفه مریم‌بیگم، ص ۲۴)، فرش، قالی و کتاب (دماک، موقوفه‌های بی‌بی کوچک‌خانم و زهرا بیگم، صص ۳۳ و ۱۲۷)، آغال^۴ و بنگاه، ملک و مزرعه (دماک، موقوفه کربلایی زینب، خیرالنساء، فاطمه‌نساء، شهربانو، صص ۵۴ و ۱۳۹) تا باغ، خانه، دکان (دماک، موقوفه‌های شهربانو خانم و جانی خانم، صص ۴۰ و ۵۷) و سهمی از منابع آب (دماک، موقوفه‌های حاجی خانم، زهرا بیگم، حاجی آسیه، کربلایی خدیجه، معصومه و صالحه خانم، صص ۱، ۲ و ۳۲). برخی از موقوفات، مجموعه‌ای از چند رقبه را

۱. برگرفته از نام اقلیم‌شناس روسی-آلمانی ولادیمیر کوپن
۲. افراد دین‌باور با انجام مناسک خاص یا ادای اعمال ویژه در پیوندی عمیق با عنصری متعالی قرار می‌گیرند که آن عنصر متعالی دیگری قدسی یا امر قدسی است. دریافت آدم‌ها از امر قدسی در ادیان مختلف، متفاوت است (عسکری خانقاه و سجادپور، ۱۳۸۳، صص ۹۹-۱۰۵). دیگری قدسی در فرهنگ ذهنی واقفان میدان این پژوهش، خداوند یگانه است.
۳. رقبات جمع رقبه است که به اموال غیرمنقول (غیرقابل نقل و انتقال) گفته می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۳۲۸).
۴. آغال (آغل): محل نگهداری حیوانات مزرعه.



باهم دارند: «موازی سه دانگ از مزرعهٔ مرجان واقعه در محلهٔ جیرفت به‌انضمام از دو حمام بزرگ و کوچک واقعان در محلهٔ شاه عادل از هریک پنج دانگ و نیم تمام به‌انضمام چهار درب دکان جنب دو حمام مزبور به‌انضمام دو دانگ از خانهٔ دَنگ‌خانهٔ باروت کوبی واقع در محلهٔ شوره‌پزخانه^۲ مع دَنگ‌خانهٔ باروت کوبی به‌انضمام سیزده تخته فرش، نمد و قالی و چهل جام و چادرپوش با طناب و اسباب و چهارده قلم ظروف مسی به‌موجب صورتی که در دفتر اموال منقول ثبت شده‌است» (دماک، موقوفات بی‌بی کوچک، ص ۳۳). موقوفات تکررینه صرفاً بخشی از یک مزرعه یا تمام آن و یا سهمی از یک یا چند منبع آبی اند: «موازی چهار حبه^۳ از جملهٔ نودوشش حبهٔ مزرعهٔ سردر واقعه در محلهٔ معزآباد کوهپایهٔ کرمان» (موقوفهٔ مولود، ص ۳۱)؛ «موازی یک جَره^۴ میاه^۵ قریهٔ قنات‌غستان از شبانه‌روزی میرکمالی» (دماک، موقوفهٔ صالحه، ص ۳۲)؛ «دو دانگ منابع و مجاری‌المیاه^۶ از مَقَسِم^۷ باغ سرآسیاب به‌قرار تفصیل: یک دانگ^۸ میاه [ناخوانا]، نیم دانگ میاه عباس‌آباد و نیم دانگ میاه چاه وکیل‌آباد» (دماک، موقوفهٔ فاطمه‌خانم، ص ۳)؛ «یک دانگ میاه از مجری‌المیاه بعلی‌آباد باغ سرآسیاب» (دماک، موقوفهٔ کربلانی خدیجه، ص ۲)؛ «نیم دانگ من جمله میاه باریکویی^۹ علیا و سفلائی باغ سرآسیاب» (دماک، موقوفهٔ حاجی‌خانم، ص ۳)؛ «پنج دانگ از منابع و مجاری‌المیاه باغ عشق مقسم باغ سرآسیاب و به‌انضمام یک دانگ از منابع مزبورهٔ دویت و چهل دانگ که کل موقوفهٔ شش دانگ است» (دماک، موقوفهٔ زهرا بیگم، ص ۱)؛ «یک دانگ و یک طسوج^۹ میاه از میاه بعلی‌آباد باغ سرآسیاب از مقسم باغ عشق قریهٔ مزبوره» (دماک، موقوفهٔ حاجی‌آسیه، ص ۱). مطالعهٔ حاضر شامل موقوفات تکررینه و چندرقبه است.

فرهنگ ذهنی و عاملیت‌های چندگانهٔ زنان

اکثر موقوفه‌های ثبتی زنان واقف به‌نام خودشان ثبت شده‌است و با همان نام خواننده و شناخته می‌شود و هویت زنانهٔ واقفان حذف نشده‌است.

نامداری زنان در موقوفات با اسامی «مریم‌بیگم»، «حاجیه‌خانومی»، «فاطمه کهنی»، «بی‌بی‌نساء»، «حاجیه آسیه‌بیگم»، «خانمی»، «خیرالنساء»، «بی‌بی‌ملکه»، «شرف‌نساء»، «شهربانوخانم»، «نرجس‌خاتون» و ... در این دورهٔ تاریخی، بر اصل و قاعدهٔ نام‌گذاری موقوفات برپایهٔ نام واقف دلالت دارد. ثبت اسم کوچک زنان واقفه بر موقوفات، حفظ نام عامل، فارغ از «جنسیت» است و با فرهنگ مردسالارانهٔ حاکم بر زمانهٔ قاجار در تضاد است؛ چون در آن فرهنگ، نام زنان در فضاهای عمومی مطرح نمی‌شد (پولاک، ۱۳۳۸، ص ۱۵۷). منابع تاریخی و آماری قاجار بر حضور اندک نام و نشان دختران و زنان

۱. دنگ‌خانه: مکانی برای کوبیدن برنج و حیوانات بوده‌است و به‌علت صدای دنگ‌دنگ موقع کوبیدن حیوانات به دنگ‌خانه معروف شده‌است (احمدی، ۱۴۰۰). دنگ‌خانه محل تهیهٔ باروت هم بوده‌است.
۲. شوره: نیرتات پتاسیم. گردی شبیه نمک که در دباغی و باروت‌سازی کاربرد دارد.
۳. هر ده که مدار آتش بر ۶ روز و ۶ شب باشد شامل شش دانگ است و هر دانگ [یک شبانه‌روز] ۱۶ حبه است و هر حبه یک ساعت و نیم آب سهمیه دارد (باستانی پاریزی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۴).
۴. جَره واحد اندازه‌گیری منابع آبی است که معرب تشت یا سبو به حساب می‌آید و در جاهای مختلف مقدار آن متفاوت است.
۵. جمع ماء: آب‌ها. باستانی پاریزی (۱۳۹۲) معتقد است که این واژه ظاهراً آرامی است.
۶. محل جاری شدن آب. مجاری آب یا مجاری‌المیاه (مجری‌المیاه) در موقوفات فوق قنات است.
۷. مَقَسِم: محل تقسیم آب در قنات کرمان به مَقَسِم معروف است.
۸. دانگ: یک‌دوازدهم هر سهم (۲۴ ساعت) برابر با ۲ ساعت (علی‌خانی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۳).
۹. یک‌ششم از منبع آب (تاریخ شاهی قراخانیان کرمان، ۱۳۹۰، ص ۴۲۸). البته دهخدا طسوج را یک‌بیست و چهارم هر چیز [شش‌دانگی] دانسته‌است؛ یک‌چهارم دانگ (دهخدا، ذیل واژه).



در مطالعات و منابع آماری و به‌ویژه فعالیت‌های اقتصادی گواهی دارد (ورنر، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶). برخی موقوفات منابع آب با مهر زنان واقف مهر شده‌اند که این نشانه حضور زنان اشراف‌زاده در میان واقفان است. مَهْری با سجع «نَسب از فاطمه دارد مریم» بر نَسب‌داشتن واقفه (مریم) از بانوی قدسی (حضرت فاطمه (س)) دلالت دارد و نشانه سیادت واقفه است.

۵. نیت‌مندی زنان در موقوفات آبی

فهم ذهنیت زنان واقف با نشانه‌شناسی بینامتنی متون فرهنگی بازمانده از آنان، نظیر وصیت‌نامه مریم‌بیگم قابل تفسیر است. او در بخشی از وصیت‌نامه خود در مذمت ذخیره اموال و ممانعت از وقف و بخشش آن‌ها بنابه جهان‌بینی خود آورده‌است: «بر اصحاب ثروت و ارباب مکنت - که خداوند عزوجل به تفضیلات خود منت بر آن‌ها نهاده و بسط ید داده [است] - آزرَم است که از اموال خود قدری معین را غنیمت شمارد، ذخیره کرده تا وِیال آن بر وی [باشد] و بال برای دیگران باشد». رجوع به متولی حاضر موقوفه مریم‌بیگم نشان می‌دهد که معنای «دیگران» در ذهنیت مریم‌بیگم، فرزندان و وارثان است نه مردمان غیروارث بر واصی و «سهم وارثان تحت عنوان «ثلثی» در سندی دیگر - که دست یکی از نزدیکان است - تعیین شده‌است و منظور از آن، یک‌سومی است که واقفه به‌عنوان ارثیه جدای از وقف برای فرزندان در نظر گرفته‌است» (میرحسینی، مصاحبه، ۱۳۹۸).

«آگاهی استدلالی» واقفه و «نیت‌مندی» او در مبادله معنوی با امر قدسی در این بخش از وصیت‌نامه‌اش تبیین شده‌است: «باعث نگارش این رقیمه کریمه آن است که عاقلان فرزانه و کاملان زمانه، همواره اوقات در صدد انتظام و اتساق امور دین و دنیای خویش و استحکام افعال و اعمال، خصوص آنچه سبب رضای خدا و رسول (ص) و موجب ذکر خیر و زاد معاد و باقیات الصالحات باشد [هستند]». این آگاهی استدلالی در موقوفات منابع آب با موقعیت عامل بودن زنان واقف به عرصه «آگاهی عملی» درآمده‌است.

۶. عاملیت واسطه‌ای زنان؛ متولی و شرایط تولیت

رکن دیگر موقوفات، تعیین متولی و شرایط تولیت است. متولی از ریشه «ولی» است و در وقف به معنای سلطه برای اصلاح و بهره‌برداری از وقف و انفاق درآمد آن در مسیر معین وقف است؛ به عبارت دیگر، تولیت منصب ولایت مال موقوفه است که در لغت به معنای اداره کردن است (مصطفوی، ۱۳۹۶، ص ۶۵).

در دفتر ثبت موقوفات ایالت کرمان مشاهده می‌شود که زنان واقف در زمان حیاتشان ۱. اتساق: نظم و ترتیب‌دادن.



خود متولی موقوفاتشان بوده‌اند و ناظر، وکیل و یا کارگزار مذکری را در کنار خود انتخاب نکرده‌اند: «تولیت مادام حیات به خود واقفه» (دماک، موقوفه ملاآمنه، ص ۱۱۰) و یا «تولیت مادام الحیات به خود واقفه» (دماک، موقوفه زهرا بیگم، ص ۱).

واقفان پس از خودمتولی‌گری بر موقوفه در زمان حیاتشان، سلسله‌مراتب متولیان و نیز ناظران متولیان بعد از خود را به‌طور مشخص مکتوب کرده‌اند: «تولیت مادام حیات به خود واقفه و بعد از فوت مفوض است به اصلح و اتقی اولاد ذکور واقفه، نسلاً بعد نسل و با انقراض اولاد ذکور واقفه، مفوض است به اصلح و اتقای اولاد ذکور مشهدی حسن زوج واقفه و با عدم ذکور، به ذکور از اناث اولاد هر دو طبقه [مذکور] هر کدام که صلاح و تقوی آنها زیادتیر باشد مفوض است» (دماک، موقوفه ملاآمنه، ص ۱۱۰)؛ «تولیت مفوض است به آقاشیخ علی ولد آقاشیخ حسن و بعد هر کس را که آنها معین نموده باشند و همیشه تعیین متولی‌الاحق با متولی سابق است» (دماک، موقوفه بی‌بی‌بزرگ، ص ۱۱۰)؛ «تولیت مفوض است به آقامیرزا امین‌الله فرزند واقفه و بعد از آنها مفوض است به اکبر اولاد ذکور از اناث و با عدم آن به کبری از اناث و با انقراض اولاد مزبور مفوض است به [دیگر] اولاد واقفه و با انقراض آنها مفوض است به اعلم علماء اثنی‌عشری» (دماک، موقوفه بی‌بی‌زینب بیگم، ص ۱۱۰)؛ «تولیت دو دانگ که برای مصرف تعزیه‌داری است مفوض است به آخوند ملاحسن و نظارت به خود واقفه و تعیین متولی و ناظر الاحق با متولی و ناظر سابق است؛ و تولیت سه دانگ که وقف بر اولاد واقفه است مفوض است به اولاد ذکور واقفه، هر کدام که به صفت رشد و صلاح و امانت و دیانت موصوف باشند و با انقراض اولاد ذکور، متولی و ناظر مفوض است به اولاد اناث آنها به شرط رشد و دیانت» (دماک، موقوفه بی‌بی‌نصرت، ص ۱۳۵)؛ «تولیت مادام الحیات به خود واقفه و بعد از فوت مفوض است به آقاملارضا فرزندزاده واقفه و بعد به اولاد ذکور متولی مزبور به شرط صلاح و رشد و با عدم ذکور، به ذکور از اناث، و شرط است که هر متولی، متولی بعد از خودش را معین نماید» (موقوفه فاطمه‌نساء، ص ۱۳۸).

مراتب تولیت در این موقوفات دو گونه است:

۱. خود واقفان تا زمان حیات، سپس انتقال به نخست‌زادگان مذکر (اولاد ذکور اکبر)، مرحله بعد انتقال به اولاد ذکور ارشد، حائز ملاک برتری اصلح و اتقی، موصوف به صفت رشد و صلاح و امانت و دیانت، انتقال در مرتبه سوم به اولاد ذکور از ذکور، حاکم شرع، امام جمعه و یا افراد محلی شایسته. در این گونه، پایگاه جنسیتی فرزند واقف و نخست‌زاده بودن او شرط اصلی تولیت است.
۲. مسیر دیگر تولیت پس از نخست‌زاده مذکر از خاندان واقفه، با عمومیت بیشتر



به ترتیب زیر است: اولاد ذکور از اناث، اولاد اناث از ذکور، اولاد اناث از اناث و در صورت انقراض نسل تولیت به معتمدان و صلحا منتقل می شود.

اهمیت تعیین تولیت موقوفات را می توان با نشانه شناسی بینامتنی در سندی با منشأ آرشیو مردمی مشاهده کرد که پس از فوت متولی نخست، در دعوی فرزندزاده صغیر، شناخت متولی اصلح را به شرط معین شده توسط واقفه برای تولیت ارجاع داده است. «بر فرض که تولیت هم با او بوده [باشد]، بعد از آنکه اولاد ذکور واقفه منحصر باشد به یک طفل صغیری و عالی جاه حاجی نصراله خان [متولی موقوفه]، چون واقفه موقوفه مرقومه، اهلیت را شرط نموده اند، لذا راجع می شود تولیت اعیان و رقبات موقوفه مزبوره به حاج نصراله خان و اختصاص به مشارالیه داده! و آقا سید محمدعلی مرقوم، ابدأ حق مزاحمت حاج نصراله خان، متولی شرعی موقوفه مرقومه را ندارد و مقتضی اسناد معتبره ملحوظه، لهذا احدی را به هیچ وجه من الوجوه غیر از حاجی نصراله مذکور، حق مداخله و تصرفی در موقوفه مرقومه نبوده». همان گونه که مشاهده می شود در این سند نیز شاخص اول صلاحیت برای متولیان، ذکورزاده نخست بودن، بیان شده و در مرتبه دوم از اهلیت سخن رفته است. اهلیت نداشتن، داشتن صفاتی مانند جنون، سَفَه، صغر، ورشکستگی و سایر خصایص سبب محرومیت از حقوق بوده است و به عبارتی شخص برای تصرف در مال خود باید عاقل، بالغ، رشید و غیر ورشکسته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، صص ۹۷-۹۸).

شناخت بستر و زمینه فرهنگی و اقلیمی این منطقه، مؤید پایگاه آب به عنوان نماد عاملیت در فرهنگ و منبع قدرت در جغرافیای فرهنگی معیشت قناتی است که بر اهمیت و تأکید زنان واقف در تعیین شروط معین برای تشخیص متولیان در وقف نامه ها می افزاید. قدرت زنان و تسلط مردان در مدیریت موقوفات منابع آب، دو شیوه همزیستی مردم با محیط اجتماعی و طبیعی و شکل گیری هویت های مجزا است. مردم دریافتشان از مردم بودن را در کدهای مشترکی بروز می دهند که رفتار را هدایت می کند. این رفتارها در رفتارهای جنس های متفاوت با یکدیگر و نیز در رابطه با منابع ارزشمند و امور ماوراءطبیعی نمود می یابد. در این جوامع قدرت با جنسی است که تصور می رود با نیروهایی در تماس است که مردم به آن ها متکی اند (بوی، ۱۳۹۴، صص ۱۶۸).

لایه عمیق تر مالکیت منابع آبی زنان واقف در رمزگان حافظه جمعی ایرانیان در اسطوره شناسی «آردویسور^۲ آناهیتا» یا همان الهه آب هاست. اسطوره، نظامی فرهنگی است که بیانگر جهان بینی ای کلی درباره جهان، منشأ آن، مقام و موضع انسان در طبیعت است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۶، صص ۱۱۸). اسطوره در ناخودآگاه جمعی حضور دارد و از

۱. سَفَه: بلاغت؛ نادانی؛ کم خردی.
۲. aredivār: لقب ایزدانو آناهیتا که فرشته موکل بر آب هاست.



نسلی به نسلی منتقل می‌شود و مردم آن را در زندگی خود و نیازهای مداوم خویش حاضر یافته‌اند و تداومش بخشیده‌اند (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ص ۱۶). شناخت بن‌مایه‌های فرهنگ ذهنی و سنت‌ها از مسیر نظام فرهنگی اسطوره‌ها میسر است.

هسته معاشناختی تعیین متولی و تقدیم موقوفات منابع آب به ذکورزادگان نخست، روایتی هم‌ریشه با نگارکندی در نقش رستم فارس^۱ است. این نگارکند، برپایه رسمی کهن در پادشاهی از دوره هخامنشیان تا قاجار (زرین کوب، ۱۳۸۰، ص ۱۳)، راوی خاموش انتقال سلطنت برپایه حق «نخست‌زادگی مذکر» و یا شرط «مذکر اصلح» در قالب «تبار دوسرپادشاهی» است که برخی از محققان به پیروی از زاره و براساس بندی در کتیبه نرسه در پایکولی، واسطه انتقال دیهیم شهریاری در این نگاره را الهه آب‌ها (آناهید یا آناهیتا) (خرشادی و وحدتی‌نسب، ۱۳۹۳) نشانه‌شناسی کرده‌اند. این گواه باستانی، از عاملیت واسطه‌ای ایزدبانوی آب‌ها در انتقال قدرت در رمزگان فرهنگی حافظه جمعی ایرانیان نشان دارد و در فرهنگ بینامتنی، انتقال تولیت موقوفات منابع آبی - که نماد قدرت در معیشت قناتی است - توسط زنان واقف به نخست‌زادگان مذکر را هم‌ردیف با نقش ایزدبانوی آب‌ها (خدایگان آب‌ها) در این نگاره بازآفرینی می‌کند. زنان در این فضا به مثابه خدایگان منابع آب، نشان قدرت و عاملیت در موقوفات را ذیل نام متولی به دیگری واگذار می‌کنند و سلسله متولیان پس از متولی برگزیده را نیز مشخص می‌سازند و موقعیت خود را در عاملیت واسطه‌ای هویدا می‌کنند.

۷. عاملیت زنان و آگاهی عملی

زنان با آگاهی عملی، منطبق با ساختار اجتماعی و فرهنگی خود با سنت وقف همراه می‌شوند و در تعیین محل مصرف موقوفات و حدود آن‌ها اقدام می‌کنند. ساختار سنت وقف در قالب قراردادی اجتماعی و سامانه‌ای فرهنگی، خروج متولی و دیگر افراد از نیات واقف در تعیین حدود و فضای هزینه‌کرد موقوفه را - مگر با شرایط خاص و محدود - تحدید کرده و این خود موجب شده است تا عاملیت واقفان در توزیع درآمد موقوفات در شبکه نیاتشان تثبیت شود.

زنان، مصارف موقوفات خود را در گونه‌های زیر تعیین کرده‌اند: «بعداز مخارج مُلکی و ملکی و تعمیرات لازمه، بقیه عایدات را دو نصف نمایند. یک نصف را محض تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء نمایند و نصف دیگر را خمساً تقسیم نمایند. دو خمس را متولی حق التولیه بردارد و یک خمس را حق‌النظاره و دو خمس دیگر، چنانچه خرید اسباب تعزیه‌داری یا تعمیر آسیاب‌های وقفی اگر لازم باشد بنمایند؛ و الاً بدهند به زوار کربلای معلی و مشهدالرضا» (دماک، موقوفه بی‌بی کوچک خانم، ص ۳۳)؛ «بعداز مخارج

۱. سنگ‌نگاره‌ای متعلق به دوره ساسانیان



مُلکی و ملکی عواید یک طاق از موقوفه مزبوره [را] صرف تعمیر حسینیه و تعزیه‌داری نمایند و عواید چهار طشته^۱ را به جهت حق التولیت صرف معیشت خود نمایند» (دماک، موقوفه صبیبه رضاقلی خان، ص ۴۸)؛ «بعداز وضع مخارج مُلکی و ملکی و یک عشر حق التولیت بقیه را در ماه محرم، صرف تعزیه‌داری نمایند» (دماک، موقوفه حیات خانم، ص ۵۶)؛ «بعداز وضع مخارج مُلکی و ملکی و یک عشر حق التولیت، در شب عاشورا در آستانه متبرکه حضرت بی‌بی حیات صرف تعزیه‌داری و آب و آتش نمایند» (دماک، موقوفه فاطمه، ص ۶۸)؛ «در تاریخ تحریر لغایت یک صد و ده سال کامل قمری، بعداز وضع مخارج مُلکی و ملکی بقیه را بر پنج خمس فرض [کند]، یک خمس را متولی حق التولیت بردارد و چهار خمس باقی را بعداز فوت عالیه و تجهیز و تکفین و مراسم فاتحه و قاری و هفتم و خیرات لیلی جمعه در غیاب و قربانی و عاشوری تا سه سال معمول دارند و دیگر آنکه همه ساله مقداری که صلاح دانند شخصی را اجیر نمایند که صوم و صلوات به جا آورده و نیز حجه میقاتی^۳ استیجار نمایند و نیز عظام [ناخوانا] را در سال کربلا نمایند و هر ساله عواید چهار خمس را بعداز اعمال مذکور فوق، صرف در ماه رمضان و اطعام مسلمین در ماه ذی حجه در عید غدیر نمایند» (دماک، موقوفه بی‌بی فاطمه بیگم، ص ۱۰۲)؛ «بعداز وضع مخارج مُلکی و ملکی، مادام که از اولاد واقفه متولی باشد، همه باید دو من نیم روغن چراغ جهت روشنایی مسجد جامع مظفری کرمان بدهند و باقی عوائد را متولی به جهت حق التولیت خود بردارد و زمانی که تولیت به مباشر مسجد جامع برسد یک عشر را به جهت حق التولیت خود بردارند و باقی را به جهت روشنایی مسجد جامع پردازند» (دماک، موقوفه زینب خانم، ص ۱۰۳)؛ «بعداز وضع مخارج مُلکی و ملکی مادام که خود واقفه متولی است هر ساله مبلغ پنج هزار دینار از قرار فروشی یک هزار دینار وضع گوسفندی خریداری نموده در عید اضحی به جهت قربانی نمایند و باقی را در روز هجدهم ذی حجه، عید غدیر میهمانی نمایند و تتمه عواید را به عوض حق التولیت متصرف شود و زمانی که تولیت به اولاد واقفه رسد بعداز وضع مخارج ملکی و ملکی، مبلغ مزبور را هر یک به قدر الحصه وضع نموده و تحویل اکبر اولاد نموده که در عیدین کبیرین به شرایط فوق عمل نمایند و تتمه را عوض حق التولیت متصرف شوند و زمانی که تولیت به خواجه ابوالقاسم و اولاد آنها و علما رسد بعداز وضع اخراجات و اخراج مبلغی پول برای عیدین یک ثلث را متولی عوض حق التولیت متصرف [شود] و یک ثلث را خرج تعزیه‌داری [کند] و ثلث دیگر را به فقرا و مساکین و زوار ائمه اطهار صرف نمایند» (دماک، موقوفه بیجه سکنیه^۴، ص ۱۴۳)؛ «مادام که تولیت با خود واقفه است هر ساله از حاصل رقبات وقفی مقدار سه هزار من گندم بدهد به سکنه مدرسه اکبریّه واقعه در دولت آباد قهستان سیرجان

۱. واحد مالکیت آب معادل ۱۸ دقیقه.
۲. صلوات: جمع صلات؛ دعاها؛ نمازها. چون در نماز دعا وجود دارد به آن صلات گفته‌اند؛ وگرنه اصل صلات به معنای دعا و درود است.
۳. «حج میقاتی» به حجی گویند که کسی برای خود یا به نیابت از دیگری از یکی از میقات‌ها قصد حج کند؛ میقات محل احرام‌بستگی است. حج میقاتی در مقابل «حج بلدی» قرار دارد. در حج بلدی از بلد (محل زندگی شخص یا میت مدنظر) قصد حج انجام می‌شود.
۴. بیجه: مصغر و مخفف بی‌بی است.



که خواجه محمداکبر عمّ واقفه احداث نموده و باقی حاصل را بعد از مخارجات مُلکی و ملکی، خود واقفه به عنوان حق التولیت تصرف و صرف نماید و هرگاه تولیت به خواجه محمداکبر رسد به قرار فوق عمل نماید و زمانی که تولیت به اولاد واقفه منتقل شود بعد از وضع و پرداخت سه هزار من گندم، مذکور فوق را فی مابین خود و سایر اولاد الذکور مشی حَظَّ الْأَنْثَیْنِ^۱ قسمت نمایند و نیز زمانی که تولیت به اقربا برسد بعد از پرداخت سه هزار من گندم به سکنه مدرسه اکبریه بقیه را میانه خود و اولادان خواجه محمداکبر و خواجه محمداکبر تقسیم نمایند و از حاصل یک دانگ و نیم سعادت آباد که بعداً در حاشیه وقف‌نامه ضمیمه نموده [اند] هر ساله مقدار هفت صد من گندم به شرح فوق به سکنه مدرسه مزبور تسلیم و باقی را به قرار مشروط فوق معمول دارند» (دماک، موقوفه شهربانو خانم، ص ۱۵۹)؛ «و قسمت سوم را به جهت تعمیر حسینی و خانه وقفی و تعمیر آسیاب‌های وقفی نمایند» (دماک، موقوفه حاج معصومه خانم، ص ۱۶۵).

همان‌گونه که مشاهده شد، حراست از منابع آبی موقوفه اولویت زنان در تعیین مصارف موقوفات است. این زنان عایدات منابع آبی موقوفه را در سه بخش اولویت داده‌اند: ۱- پرداخت هزینه تعمیر و نگهداری (نفقه) موقوفه: در عموم مداخل ثبت شده در «دماک»، نخستین محل مصرف درآمد موقوفات منابع آبی با ذکر کلمه نفقه و یا با عنوان مخارج ملکی در عباراتی نظیر «بعد از وضع مخارج ملکی و ملکی» و یا «بعد از وضع مایلم اخراج از مالیات و نفقه» مشخص شده است. تخصیص درآمد موقوفات در این ساختار، بنابه قناتی بودن موقوفات منابع آبی است؛ زیرا در این منابع، تخصیص هزینه لای‌روبی، تعمیر و آبادانی چاه‌ها، مجاری و مظاهر قنات‌ها به نام «نفقه قنات» به صورت خودگردان توسط مالکان این دسته از منابع آبی تأمین می‌شود (علی‌خانی، ۱۳۹۵، ص ۸۳). در این ساختار فرهنگی و شرایط اجتماعی و اقلیمی، اکثر زارعان فاقد زمین و آب بوده‌اند و گاه بعضی از مالکان، زمین و آب را به رعایا اجاره می‌دادند و با دریافت اجاره از رعایا، پول نفقه آب قنات را فراهم می‌کردند و موظف بودند که بخشی از درآمد خود را برای مرمت و نگهداری قنات صرف کنند (لمبتون، ۱۳۶۲، صص ۵۱۸-۵۲۰). زنان واقف حتی پس از مرگ نیز، خود مالک دائمی موقوفات آبی می‌مانند و باید در پرداخت سهم خود از نفقه قنات حتی پس از فوتشان نیز مشارکت داشته باشند. ۲- پرداخت مالیات موقوفه به دولت: توجه به پرداخت مالیات که منشأ نقدینگی خزانه حاکمان آن دوران برای مصارف شخصی و عمومی بوده است در سه مورد از وقف‌نامه‌های مشاهده شده با ذکر کلمه «مالیات» و در مابقی اسناد با عنوان «مخارج ملکی» مشخص شده است. ۳- پرداخت دستمزد متولی موقوفه و ناظر متولی: در تمام وقف‌نامه‌های مشاهده شده دستمزد متولی از سهم عایدات

۱. مشی حَظَّ الْأَنْثَیْنِ: روش سهمیه دو دختر برای هر پسر. یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حَظَّ الْأَنْثَیْنِ: خداوند به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند، سهم پسر چون سهم دو دختر است (ابتدای آیه ۱۱ از سوره نساء که درباره نحوه تقسیم ارث دختر و پسر توضیح می‌دهد).



موقوفات منابع آبی تعیین شده است. به طور عموم سهم یک‌دهم از عایدات را به عنوان حق متولی در نظر گرفته‌اند: «وضع عُشر حق التولیه» و «جمیع [جمیعاً] یک عشر».

پس از تعیین اولویت‌های فوق در راستای پایداری موقوفات، اهم مصارف موقوفات و مشارکت اقتصادی زنان در پایداری آیین‌های مذهبی است: زنان واقف برای دوران پس از مرگشان هم همانند زمان حیاتشان سهمی از موقوفاتشان را برای تداوم امور دینی، ارزش‌ها و عقاید مذهبی‌شان در نظر گرفته‌اند و با سلیقهٔ زنانه‌شان در سامان‌دهی حیات فرهنگی و مذهبی اقدام کرده‌اند: «خرج عزاداری حضرت سیدالشهدا»، و یا «به مصرف آب و آش و روضه‌خوانی و اجرت ذاکرین»؛ و مقرر نمودن اقدام پذیرایی نظیر «قلیان و تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا»؛ و یا تهیهٔ لوازم و تجهیزات در قالب ساخت، تعمیر، تجهیز (روشنایی و خرید لوازم پذیرایی، قالی و...) و آبادانی امکنهٔ مذهبی: «باید دو من [و] نیم روغن چراغ جهت روشنایی مسجد جامع مظفری کرمان بدهند»؛ «به جهت تعمیر حسینیه و خانهٔ وقفی» و یا اماکنی نظیر آسیاب‌ها.

زنان در تعیین قلمرو مکانی و زمانی آیین‌ها مانند: «در خانهٔ خود واقفه» و یا «در عید اضحی به جهت قربانی»، «در روز هجدهم ذی‌حجه عید غدیر میهمانی نمایند»، «در ایام محرم مابین باغ سرآسیاب» و یا «تکیهٔ پائین حسینیه»، نیز برای ضیافت قدسی‌شان آشکارا مداخله کرده‌اند.

واقفان زن با تقویت مناسک و آیین‌های مذهبی نظیر مراسم سوگواری و تعزیه‌داری، سهمی مؤثر در بازتولید چرخهٔ جهان‌بینی، ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی و مذهبی خود داشته‌اند و «عاملیت غیابی» را در پشتیبانی از ساختار «تعزیه‌داری به مفهوم هنری نمایشی که بسیار مدیون وقف است» (عنصری، ۱۳۷۲، ص ۳۹) تداوم بخشیده‌اند.

تعیین محل مصرف موقوفات آبی توسط خود زنان واقف، نشان از «مرگ‌آگاهی» در لایه‌های زیرین ذهنیتشان دارد. آن‌ها مبتنی بر تفکر خود به وقف اموالشان پرداخته‌اند و این مسیر، معکوس فرایندی است که راپاپورت^۱ در آن به «تنزل مرتبت» امر قدسی یاد می‌کند. راپاپورت بر این باور است که اهداف مادی نظام‌های پایین‌مرتبه، جایگاهی را که شایستهٔ ارزش‌هایی با عمومیت بیشتر است غصب می‌کنند و مدعی تقدس می‌شوند و حتی ممکن است شادی و لذت انباشت سرمایه و کالاهای مادی را هم‌تراز سعادت و تقدس بپندارند و این چنین به ورطهٔ تنزل مرتبت فروافتند و نتایج مصیبت‌باری را برای بوم‌سازگان (اکوسیستم) به بار آورند (بوی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴). واقفان زن دستیابی به سعادت و رستگاری را بیش از لذت دنیویِ تجمیع منابع مادی مدنظر داشته‌اند و از این رو با وقف اموال خود، سبک‌بالی و فراغت روح را گامی برای رستگاری و ارتقای مرتبت و دستیابی

1. Rapaport



به تقدس دانسته‌اند و نیز با تعیین نفقه و اولویت دادن به تعمیر و آبادانی منابع آب موقوفه، حفاظت بوم‌سازگان را در نظر داشته‌اند.

۸. محدودیت‌های ساختار و بازتولید محدودیت در عاملیت زنان

در مشاهدات این پژوهش، تنها دو فقره موقوفه با تعیین مصرف در حوزه علم و دانش آمده است که گواهی است بر محرومیت زنان دوران قاجار از فضاهای آموزشی و یا کم‌اعتنایی ساختار معیشت فئاتی به تحصیل و ترویج دانش (لباف خانیکی، ۱۳۸۵، ص ۲۵). رابطه ساختار و عاملیت در این فضا، محدودیت زنان در دسترسی به فضاهای آموزشی را عاملی محدودکننده در شکل‌گیری فرهنگ ذهنی قشر زنان واقف و بازتولید ذهنیتشان در مسیر ساخت و آبادانی مدارس، تهیه کتب و حمایت از مدرسان و طالبان علم در تعیین مصارف موقوفات آبی نمایش می‌دهد.

۹. عاملیت زنانه؛ عقلانیت و دیگرخواهی

زنان با «عقلانیت» توأم با «دیگرخواهی» در این رکن از موقوفات به جامعه هدف -موقوف علیهم- می‌پردازند. مشاهده می‌شود که زنان موقوفاتشان را در دو سطح خویشان و دیگران، به اولاد و فرزندان و یا ایتام، سادات و زوار اماکن مقدس تخصیص داده‌اند: «شرط نمود عالیّه مزبوره که از تاریخ تحریر همه‌ساله سالی مبلغ پنج تومان تا زمان بقاء و حیات حاجیه بی‌بی آمنه بیگم صبیّه مرحوم آقاسیدمحسن (همشیره زاده عالیّه) بدهند و وقتی که فوت نمود مقطوع نمایند» و یا «زمانی که تولیت به اولاد واقفه منتقل شود بعد از وضع و پرداخت سه هزار من گندم، مذکور فوق را فی مابین خود و سایر اولاد الذکور مشی حَظُّ الْأُنثَیِّین قسمت نمایند». زنان خیرات و مبرات را نیز به شرط شناسایی افراد مشخص به توسط عالمان، در جامعه هدف خود گنجانده‌اند: «بقیه را به صواب دید آن عالم به فقرا و مستحقین اثنی عشری برسانند»؛ «همه‌ساله مقداری که صلاح دانند شخصی را اجیر نمایند که صوم و صلوات به جا آورده و نیز حجه میقاتی استیجار نمایند».

۱۰. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هر جامعه‌ای در هر هنگامه‌ای از تاریخ، خود را در انبوهی از نهادها، زیست‌مایه‌ها و بن‌مایه‌های اجتماعی مادی و غیرمادی نشان می‌دهد و از هم‌آمیزی سامان‌مند این بن‌مایه‌ها در دورانی ویژه، چیزی پدید می‌آید که به آن نظام یا سامانه اقتصادی-اجتماعی هم‌نیاز آن دوران گفته می‌شود. بدین‌گونه وقف به‌عنوان سامانه‌ای اقتصادی-اجتماعی در راستای

پاسخ به نیازهای مردم در دوره‌های مختلف در پهنه ایران حضور داشته و در دوران قاجار به یکی از پویاترین نظام‌های اقتصادی-اجتماعی تبدیل شده‌است. سهم زنان در موقوفات ایالت کرمان مؤثر است. به دلیل اقلیم خشک و معیشت قناتی کرمان، مالکیت و دسترسی به منابع آب به زنان فرصت حضور در سپهر خصوصی و عمومی را داده‌است. زنان با عقلانیت و خردورزی، دسترسی به منابع آب را در سطوح خرد و کلان به کار گرفته‌اند و عاملیت خود را در چگونگی استفاده از این منابع نمایش داده‌اند.

رفتار محدود و یا باز ساختار، یکی از عوامل تعیین‌کننده چگونگی عاملیت زنان در سطح کلان (جامعه) است. عرصه‌های معین در نیت زنان در طریق مصرف رقبات آبی، به‌گونه‌ای بازتاب شبکه ارتباطات اجتماعی آنان در فضاهای غیرخانگی است. محدوده تعاملات و مراودات اجتماعی زنان دوره قاجار را فضاهای دسترس‌پذیر برحسب تفکیک جنسیتی چون تعزیه، مسجد، تکیه، حسینیه، اماکن زیارتی و بقاع متبرکه و عدم دسترسی به برخی فضاها مانند مدرسه و مکتب تعیین کرده‌است. این رویکرد ساختار در دسترسی به فضاها بنابه جنسیت، عاملیت زنان را در برخی موقعیت‌ها پررنگ‌تر و در برخی عرصه‌ها کم‌نمودتر کرده‌است.

وقف آب، نمادی از عاملیت چندگانه زنان در دسترسی به منابع آبی است. زنان در مکتب وقف، آب-این نادره کرمان- را در دوگانه‌ای رفتاری هم به خارج از دسترس خود رانده‌اند و هم آن را برای همیشه در ید قدرت خود نگه داشته‌اند.

عاملیت فردی زنان در سطح خرد با هدف بهره‌مندی از الطاف دیگری قدسی و مرگ‌آگاهی، نیل به باقی‌الصالحات و خیر پایدار را برای خود مطالبه می‌کند و سهمش از منابع آبی را پیشکش دیگری قدسی (خداوند) می‌کند. انگیزه اصلی این عاملان آگاه، تولید امنیت و جودی است. این گروه با «مرگ‌آگاهی» -که ادگار مورن آن را بنیان فاعلیت برای شکل‌گیری هویت انسانی سوژه می‌داند- حسنه‌ای را پیش از خود به امر قدسی تقدیم می‌دارند تا خود را از حالت مفعولی درمقابل مرگ (عامل معنابخش) به موقعیت فاعل و یا عامل درآورند.

عاملیت نمایندگی واقفان زن، در تعیین متولیان و ناظران -به‌عنوان وکیلانی برای انجام کنش‌های معین‌شده در مسیر نیاتشان در محل مصرف موقوفات- رخ می‌نماید.

عاملیت جمعی زنان با عقلانیت و خردورزی، به پرداخت حقوق نمایندگانشان اعم از متولی، ناظر، افراد خاص، و بهره‌مندی اجتماع و جامعه پیرامونی‌شان و نیز هزینه و نفقه حراست و حفاظت از منابع آب که بخش مهمی از زیست‌بومشان است تعلق می‌گیرد و



شاید عاملیت آنان را در سطوح مختلف و مستدام در حالت فقدان فیزیکی‌شان، بتوان در مفهوم «عاملیت غیابی» بنیان نهاد.

زنان مالک منابع آب با آگاهی عملی در موقعیت واقف به بازتولید هویت فرهنگی و اجتماعی خود، و تقویت بنیه‌ها و آیین‌های مذهبی پرداخته‌اند و به اصلاحات اجتماعی در جامعه خود منطبق بر سرمایه‌های فرهنگی و عرف جغرافیای فرهنگی‌شان مبادرت ورزیده‌اند. زنان با عقلانیت و هدف‌مندی، با مصرف موقوفاتشان در مسیر کسب رضایت و خشنودی دیگری قدسی در قالب‌های فرهنگی نظیر آیین‌های سوگواری، برگزاری جشن‌های مذهبی و هنرهای نمایشی-مذهبی، نظام ارتباطات نمادین مذهبی را تداوم بخشیده‌اند و عاملیت خود را در عرصه‌های گشوده آشکار ساخته‌اند.

منبع

منابع فارسی

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۹۹-۲۸۰-۴؛ ۹۹-۲۸۰-۵؛ ۹۹-۲۸۰-۱۴؛ ۹۹-۲۸۰-۳۳؛ ۹۹-۲۸۰-۱۰۷؛ ۹۹-۲۸۰-۴۵۷؛ ۹۹-۲۸۰-۹۹.

آرشیو مردمی؛ (فاطمه صدر میرحسینی): تصویر سند شماره ۱ و ۲.

آرشیو مردمی؛ (افضل‌السادات آل طه مکی): تصویر سند شماره ۳.

دفتر ثبت موقوفات ایالت کرمان (دماک): محل نگهداری: بنیاد ایران‌شناسی شعبه کرمان (کتابخانه مرکز کرمان‌شناسی).

کتاب

احمدنیا، شیرین. (۱۳۹۴). *زنان، سلامت و محیط زیست شهری*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۲). *خاتون هفت قلعه*. (چ ۷). تهران: علم.

بوی، فیونا. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی دین*. (چ ۲). (مهرداد عربستانی، مترجم). تهران: افکار.

تاریخ شاهی قراخانیان کرمان. (۱۳۹۰). (چ ۲). (محمدابراهیم باستانی پاریزی، مصحح). تهران: علم.

پارکر، جان. (۱۳۸۶). *ساخت‌یابی*. (حسین‌علی قاضیان). تهران: نشر نی.

پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۳۸). *سفرنامه پولاک*. (چ ۲). (کیکاؤوس جهانداری، مترجم). تهران: شرکت

سهامی انتشارات خوارزمی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۳). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: بنیاد راستاد.



- جلائی پور، حمیدرضا. (۱۳۹۲). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*. (چ ۴). تهران: نی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. (چ ۱۵). (چ ۱). تهران: روزنه؛ مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- دی مور، جری. (۱۳۹۱). *زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی*. (هاشم آقاییگ پوری؛ جعفر احمدی، مترجمان). تهران: جامعه‌شناسان.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۳). *پیکرگردانی در اساطیر*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ریترز، جرج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. (چ ۲). (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: علمی.
- زند رضوی، سیامک. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی و بحران منابع طبیعی تجدیدشونده در ایران*. تهران: قطره.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۶). *نشانه‌شناسی فرهنگی*. (چ ۲). تهران: علم.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۷). *زنان در عرصه عمومی: عوامل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایرانی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- علی‌خانی، اعظم. (۱۳۹۵). *دانش‌نامه عامیانه آب کویر کوهبنان*. کرمان: فرهنگ عامه.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. (چ ۵). تهران: نی.
- کلانتری‌خاندانی، حسین. (۱۳۸۷). *سیری در جغرافیای استان کرمان: با تکیه بر مسائل طبیعی (زلزله)، انسانی و تاریخی*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- لباف‌خانیکی، مجید. (۱۳۸۵). *نظام‌های تقسیم آب در ایران*. تهران: مؤسسه گنجینه ملی آب ایران.
- لمبتون، آن‌کترین سواين فورد. (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*. (چ ۳). تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- مورن، ادگار. (۱۳۹۳). *هویت انسانی*. (امیر نیک‌پی؛ فائزه محمدی، مترجمان). تهران: قصیده‌سرا.
- میل، جان استوارت. (۱۳۷۹). *انقیاد زنان*. (علاء‌الدین طباطبائی، مترجم). تهران: هرمس.
- ناجی‌راد، محمدعلی. (۱۳۸۲). *موانع مشارکت زنان*. تهران: کویر.
- نادری، سارا. (۱۳۹۳). *درآمدی بر روایت زنانه از شهر*. (چ ۲). تهران: نیسا.
- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۹۰). *مردم‌شناسی جنسیت*. (چ ۲). تهران: نقد افکار.
- وزیری، احمدعلی‌خان. (۱۳۷۶). *جغرافیای کرمان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مقاله

احمدی، لیلا. (۱۴۰۰). مدخل «دنگ» در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی. بازبایی ۱۰ آذر ۱۴۰۰ از: <https://www.cgie.org.ir/fa/article/246670/%D8%AF%D9%86%D8%8C>.

امامی‌خویی، محمدتقی؛ تقوائی، فاطمه. (۱۳۹۲). «نشانه‌های توسعه فرهنگ ایرانی در مدرسه وقفی



- ترکان‌خاتون (قراختایان کرمان)». مسکویه، دوره ۸، شماره ۲۴، صص ۷-۲۸.
- خرشادی، سرور؛ وحدتی‌نسب، حامد. (۱۳۹۲). «راز جدال نرسه با بهرام‌ها از نگاه انسان‌شناسی فرهنگی». *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۶، شماره ۳، صص ۲۱۱-۲۶۳.
- خلیلی، محسن. (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران». *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۶۵-۱۸۶.
- رحمانی، جبار؛ فرحزادی، یاسمن. (۱۳۹۴). «سفره‌های نذری در تهران: عاملیت زنانه در جماعت آیینی». *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۱۸۳-۲۰۰.
- زرین‌کوب، روزبه. (۱۳۸۰). «ولیعهد و مسئله جانشینی در عصر ساسانی». *باستان‌شناسی و تاریخ*، دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۲۸)، صص ۱۱-۱۵.
- صدیقی، بهروز. (۱۳۸۹). «تئوری ساخت‌یابی آنتونی گیدنز: پیامدهای تئوریک و روش‌شناختی و کاربرد عملی آن در جامعه‌شناسی». *پژوهش اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۴۱-۱۶۷.
- عباسی، سیما؛ صفری، مهدی؛ عسگری، لیلا. (۱۳۹۶). «کارکردهای اسطوره‌شناختی آب در ایران باستان». *فصل‌نامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، سال ۶، شماره ۲.
- عسگری خانقاه، اصغر؛ سجادی‌پور، فرزانه. (۱۳۸۳). «نگرش قدسی، اندیشه قدسی». *مطالعات فرهنگ-ارتباطات (نامه پژوهش)*، شماره ۱۷، صص ۹۹-۱۲۰.
- علی‌رضانژاد، سهیلا؛ سرائی، حسن. (۱۳۸۶). «زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای درباره فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن». *نامه علوم اجتماعی*، شماره پیاپی ۳۰، صص ۱۲۳-۱۴۹.
- عنصری، جابر. (۱۳۷۲). «تعزیه: هنر وقفی ایران و میراث جاویدانی از قلمرو آیین و ایمان». *وقف میراث جاویدان*، شماره ۳، صص ۳۸-۴۱.
- فصیحی، سیمین. (۱۳۸۹). «حقوق شهروندی در عریضه‌های زنان عصر مشروطه (دوره دوم و سوم مجلس شورای ملی ایران)». *تاریخ ایران*، شماره ۸، صص ۱۴۷-۱۶۵.
- کائینی، محمدرضا. (۱۳۹۱). «پیشینه و کارکرد وقف در اسلام و تاریخ تمدن اسلامی». *وقف میراث جاویدان*، شماره ۷۹-۸۰، صص ۶۷-۱۰۰.
- محمدی، سیدبیوک. (۱۳۹۲). «واحد مشاهده در تحقیقات کیفی». *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۴۵-۱۶۲.
- مصطفوی، محمدعلی. (۱۳۹۶). «بررسی ماهیت تولید و انواع آن». *وقف میراث جاویدان*، شماره ۹۷ و ۹۸، صص ۶۳-۸۲.
- ورنر، کریستف. (۱۳۷۸). «زنان واقف در تهران عهد قاجار». (نسیم مجیدی قهرودی، مترجم). *وقف میراث جاویدان*، سال ۷، شماره ۴ (پیاپی ۲۸)، صص ۱۱۵-۱۲۲.

پایان‌نامه



احمدی، نزهت. (۱۳۸۰). «نهاد وقف، دگرگونی‌ها و کارکردهای فرهنگی-مذهبی آن در عصر صفوی». رساله دکتری تاریخ، دانشگاه اصفهان.

مصاحبه

میرحسینی، فاطمه (متولی موقوفه مریم بیگم). (۱۳۹۸). کرمان: دفتر موقوفه مریم بیگم.

منابع لاتین

- Grant, Melita. (2017). "Gender Equality and Inclusion in Water Resources Management". Action Piece. Stockholm: Global Water Partnership. retrieve 12-08-2020 from: http://www.gwp.org/globalassets/global/about_gwp/publications/gender/gender-action-piece.pdf
- Hewson, M. (2010). "Agency". In: (Albert James Mills, Gabrielle Durepos, & Elden Wiebe, Eds.), *Encyclopedia of case study research*. Volumes I and II, pp 13-16. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
- Warner, Jeroen. (2004). "Plugging the GAP Working with Buzan: the Ilisu Dam as a security issue". *Occasional Paper*, No 67. SOAS Water Issues Study Group, School of Oriental and African Studies/King's College London.

English Translation of References

Documents

- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):
4-280-99; 99-280-5; 99-280-14; 99-280-33; 99-280-107; 99-280-457.
- Ārshiv-e mardomi (Folk archive); (Fateme Sadr Mirhosseini); Image of document numbers 1 & 2.
- Ārshiv-e mardomi (Folk archive); (Afzal Al-Sadat Al Taha Makki); Image of document number 3.[Persian]
- Daft-e Sabt-e Moqufāt-e Eyyālāt-e Kermān (Damāk) (Endowment Registration Office of Kerman Province): Kept at: Bonyād-e Irān-šenāsi-ye Šo'be-ye Kermān (Ketābxāne-ye Markaz-e Kermān-šenāsi) (Iranology Foundation).[Persian]



Books

- Abdollahi, Mohammad. (1387/2008). "*Zanāndar 'arse-ye 'omumi: 'Avāmel, mavāne' varāhbord-hā-ye mošārekāt-e madani-ye zanān-e Irāni*" (Women in the public sphere: Factors, barriers and strategies for civil participation of Iranian women). Tehran: Jāmēe-šenāsān.[Persian]
- Ahmadnia, Shirin. (1394/2015). "*Zanān, salāmatvamohit-e zist-e šahri*" (Women, health and the urban environment). Tehran: Markaz-e Motāle'ātvaBarnāme-rizi-ye Šahr-e Tehrān (Tehran Urban Research and Planning Center).[Persian]
- Alikhani, Azam. (1395/2016). "*Dāneš-nāme-ye 'āmiyāne-ye āb-e kavir-e Kouhbanān*" (Kuhbonan (Iran): Social life and customs). Kermān: Farhang-e 'Āmmeh.[Persian]
- BastaniParizi, Mohammad Ebrahim. (1392/2013). "*Xātun-e haft-qal'e*" (La matrone assiegee a sept forteresses) [The matron besieged by seven fortresses] (7th ed.). Tehran: 'Elm.[Persian]
- Bowie, Fiona. (1394/2015). "*Moqaddame-ee bar ensān-šenāsi-ye dīn*" (The anthropology of religion: An introduction) (2nd ed.). Translated by Mehrdad Arabestani. Tehran: Afkār.[Persian]
- Dehkhoda, Ali- Akbar. (1377/1999). "*Loqāt-nāme-ye Deh-xodā*" (Dehkhoda Dictionary) (Vol. 15) (1st ed.). Tehran: Rowzaneh; Mo'assese-ye ČāpvaEntešārāt-e Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran Press) (UTP). [Persian]
- Fakouhi, Naser. (1386/2007). "*Tārix-e andiševanazarie-hā-ye ensān-šenāsi*" (History of anthropological thought and theories) (5th ed.). Tehran: Ney.[Persian]
- Grant, Melita. (2017). "*Gender equality and inclusion in water resources management: Action piece*". Stockholm: Global Water Partnership. Retrieved, in 12-08-2020, from: http://www.gwp.org/globalassets/global/about_gwp/publications/gender/gender-action-piece.pdf.
- Jafari Langaroudi, Mohammad Jafar. (1363/1984). "*Terminoloži-ye hoquq*" (Terminology of law). Tehran: Bonyā-e Rāstād. [Persian]
- Jalaeipour, Hamidreza. (1392/2013). "*Nazarie-hā-ye mote'axxer-e jāme'e-šenāsi*"

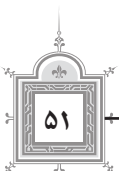
- (Recent sociological theories) (4th ed.). Tehran: Mo'assese-ye ČāpvaEntešārāt-e Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran Press). [Persian]
- Kalantari Khandani, Hossein. (1387/2008). "*Seiridarjoqrāfiyā-ye oštān-e Kermān: Bātekye bar masā'el-e tabi'ee (zelzele), ensānivatārixi*" (Geography of Kerman province: Focusing on natural (earthquake), human and historical issues). Kermān: Markaz-e Kermān-šenāsi. [Persian]
- LabbaŋKhaniki, Majid. (1385/2006). "*Nezām-hā-ye taqsim-e ābdarIrān*" (Water distribution systems in Iran). Tehran: Mo'assese-ye Ganjine-ye Melli-ye Āb-e Irān (Iranian Water National Museum). [Persian]
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1362/1983). "*Mālekvazāre' darIrān*" (Landlord and peasant in Persia: A study of land tenure and land revenue administration) (3rd ed.). Tehran: Entešārāt-e 'ElmivaFarhangi (ElmiFarhangi Publishing Co.) affiliated with Vezārat-e FarhangvaĀmuzeš-e 'Ālli. [Persian]
- Mill, John Stuart. (1379/2000). "*Enqiyād-e zanān*" (On liberty with the subjection of woman). Translated by Ala Al-Din Tābatabaei. Tehran: Hermes. [Persian]
- Moore, Jerry D. (1391/2012). "*Zendegivaandiše-ye bozorgān-e ensān-šenāsi*" (Visions of culture: An introduction to anthropological theories and theorists). Translated by Hashem Aghabeigpouri & Jafar Ahmadi. Tehran: Jāme'e-šenāsān. [Persian]
- Morin, Edgar. (1393/2014). "*Hoviyat-e ensāni*" (L'humanite de l'humanite) [Humanity of human beings]. Translated by Amir Nikpey & Faezeh Mohammadi. Tehran: Qaside-sarā. [Persian]
- Naderi, Sara. (1393/2014). "*Darāmadī bar ravāyat-e zanānehazšahr*" (An introduction to the female narrative of the city) (2nd ed.). Tehran: Tisā. [Persian]
- Naji Rad, Mohammad Ali. (1382/2003). "*Mavāne'-e mošārekāt-e zanān*" (Barriers to women's participation). Tehran: Kavir. [Persian]
- Nercissians, Emilia. (1390/2011). "*Mardom-šenāsi-ye jensiyat*" (Anthropology of Gender) (2nd ed.). Tehran: Naqd-e Afkār. [Persian]
- Parker, John. (1386/2007). "*Sāxt-yābi*" (Structuration). Translated by Hossein Ali Ghazian. Tehran: Našr-e Ney. [Persian]
- Polak, Jakob Eduard. (1368/1989). "*Safar-nāme-ye Polāk*" (Persien, das land und seine



- bewohner; Ethnographischeschilderungen) [Persia, the land and its inhabitants: Ethnographic descriptions] (2nd ed.). Translated by KeykavousJahandari. Tehran: Šerkat-e Sahāmi-ye Enteshārāt-e Xārazmi. [Persian]
- RastegarFasaei, Mansour. (1383/2004). *“Peikar-gardānidarasātir”* (Metamorphosis in myths). Tehran: Pažuhešgāh-e ‘Olum-e EnsānivaMotālē’āt-e Farhangi (Institute for Humanities and Cultural Studies).[Persian]
- Ritzer, George. (1374/1995). *“Nazarie-ye jāme’e-šenāsidadowrān-e mo’āser”* (Contemporary sociological theory) (2nd ed.). Translated by Mohsen Salasi. Tehran: ‘Elmi.[Persian]
- Sojudi, Farzan. (1396/2017). *“Nešāne-šenāsi-ye Farhangi”* (Cultural semiotics) (2nd ed.). Tehran: ‘Elm.[Persian]
- “Tārix-e Šāhi-ye Qarā-xatāeeyān-e Kermān”* (History of the Qarakhtayi dynasty of Kerman) (2nd ed.). (1390/2011). Edited by Mohammad Ebrahim BastaniParizi. Tehran: ‘Elm.[Persian]
- Vaziri, Ahmad Ali Khan. (1376/1997). *“Joqrāfiyā-ye Kermān”* (Geography of Kerman). Tehran: Anjoman-e ĀsārvaMafāxer-e Farhangi.[Persian]
- ZandRazavi, Siamak. (1388/2009). *“Jāme’e-šenāsivabohrān-e manābe’-e tabi’ee-ye tajdid-šavandedarIrān”* (Sociology and the crisis of renewable natural resources in Iran). Tehran: Qatreh.[Persian]

Articles

- Abbasi, Sima; Safari, Mahdi; Asgari, Leila. (1396/2017). “Kārkard-hā-ye osture-šenāxti-ye ābdarIrān-e bāstān” (Mythological functions of the water in ancient Iran). *Fasl-nāme-ye Āmuzeš-e Mohit-e ZistvaTowse’e-ye Pāydār* (Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development), 6(2).[Persian]
- Ahmadi, Leila. (1400). “Dong” (One sixth of a property). In *“Dāerat-ol—ma’āref-e Bozorg-e Eslāmi”* (The Great Islamic Encyclopaedia). Markaz-e Pažuheš-hā-ye IrānivaEslāmi (Center for Iranian and Islamic Studies). Retrieved, in 10 Azar 1400 / 1 December 2021, from <https://www.cgie.org.ir/fa/article/246670/%D8%AF%D9%86%DA%AF%D8%8C>. [Persian]



- Alirezanejad, Soheila; & Saraei, Hasan. (1386/2007). "Zan dar 'arse-ye 'omumi: Motālē-ē edarbāre-ye fazā-hā-ye 'omumidardastres-e zanān-e šahrivataqyirāt-e ān" (Woman in public sphere: A study on the public space available to urban women and its transformations). *Nāme-ye 'Olum-e Ejtemā'ee* (Journal of Social Sciences Letter), series 30, pp. 123 – 149. [Persian]
- Anasari, Jaber. (1372/1993). "Tā'zieh: Honar-e vaqfi-ye Irānvmirās-e jāvidāniazqalamrov-e āyin o imān" (Tā'zieh: The endowed art of Iran and the eternal heritage of the realm of religion and faith). *Vaqf-e Mirās-e Jāvidān*, 3, pp. 38 – 41. [Persian]
- Askari Khaneghah, Asghar; Sajjadpour, Farzaneh. (1383/2004). "Negareš-e qodsi, andiše-ye qodsi" (Sacred attitude, sacred thought). *Motāle'āt-e Farhang – Ertebātāt* (Nāme-ye Pažuheš) (Culture-Communication Studies), 17, pp. 99 – 120. [Persian]
- EmamiKhoie, Mohammad Taghi; & Taghvaei, Fatemeh. (1392/2013). "Nešāne-hā-ye towse'e-ye farhang-e Irānidarmadrese-ye vaqfi-ye TarkānXātun (Qarā-xatāeeyān-e Kermān)" (The signs of Iranian culture's development in the endowment school of turkankhatoon (Qarakhitayids of Kerman)). *Moskuyeh*, 8(24), pp. 7 – 28. [Persian]
- Fasihi, Simin. (1389/2010). "Hoquq-e šahrvandidar 'arize-hā-ye zanān-e 'asr-e mašrute: Dowre-ye dovomvasevvom-e Majles-e Šorā-ye Melli-ye Irān" (Citizenship rights in the petitions of women during the constitutional period (the second & third parliament)). *Tārix-e Irān* (Journal of History of Iran) (IRHJ), 8, pp. 147 – 165. [Persian]
- Hewson, M. (2010). "Agency". In: (Albert James Mills, Gabrielle Durepos, & Elden Wiebe, Eds.), *Encyclopedia of case study research*. Volumes I and II, pp. 13-16. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
- Kaeni, Mohammadreza. (1391/2012). "Pišinehvakār-kard-e va qfdareslām va tārix vatamaddon-e eslāmi" (Background and function of waqf in Islam and the history of Islamic civilization). *Vaqf Mirās-e Jāvidān*, 79 & 80, pp. 67 – 100. [Persian]

- Khalili, Mohsen. (1386/2007). "Āsib-šenāsi-ye mošārekāt-e zanāndarjāmē-ye mo'āser-e Irān" (The pathology of women participation in contemporary Iranian society). *Zan dar Towse'eva Siyāsat (Pažuheš-e Zanān)* (Women in Development and Politics), 5(2), pp. 165 – 186.[Persian]
- Khorashadi, Sorour; & Vahdati Nasab, Hamed. (1392/2013). "Rāz-e jedāl-e Narsehbā Bahram-hā az negāh-e ensān-šenāsi-ye farhangī" (The mystery of long-lasting quarrel between Narseh and Bahrams: A cultural anthropology perspective). *Jāme'e-šenāsi-ye Tārixi* (Journal of Historical Sociology), 6(3), pp. 211 – 263.[Persian]
- Mohammadi, Seyyed Boyouk. (1392/2013). "Vāhed-e mošāhedeh dartaḥqiqāt-e keifī" (Observation unit in qualitative research). *Pažuheš-hā-ye Ensān-šenāsi-ye Irān* (Iranian Journal of Anthropological Research) (IJAR), 3(2), pp. 145 – 162.[Persian]
- Mostafavi, Mohammad Ali. (1396/2017). "Barresi-ye māhiyat-e towliyat va anwā'-e ān" (Investigation of trusteeship nature and its types). *Vaqf Mirās-e Jāvidān*, 97 & 98, pp. 63 – 82.[Persian]
- Rahmani, Jabbar; & Farahzadi, Yasaman. (1394/2015). "Sofre-hā-ye nazridar Tehrān: 'Āmeliyat-e zanānedarjamā'at-e āyini" (Sofrey-e Nazri: Women's agency in ritual community). *Pažuheš-hā-ye Ensān-šenāsi-ye Irān* (Iranian Journal of Anthropological Research) (IJAR), 5(2), pp. 183 – 200.[Persian]
- Sedighi, Behrouz. (1389/2010). "Teori-ye sāxt-yābi-ye Āntoni Gidens: Payāmak-hā-ye teorik varaveš-šenāxtivakārbord-e 'amali-ye āndarjāmē-šenāsi" (Anthony Giddens's structuration theory: Theoretical, methodological and practical consequences in sociology). *Pažuheš-e Ejtemā'ee* (Journal of Social Research), 3(9), pp. 141 – 167.[Persian]
- Warner, Jeroen. (2004). "Plugging the GAP Working with Buzan: The Illisu Dam as a security issue". *Occasional Paper*; No 67. SOAS Water Issues Study Group, School of Oriental and African Studies/King's College London.
- Werner, Christoph. (1378/1999). "Zanān-e vāqefdar Tehrān-e 'ahd-e Qājār" (Waqif women in Tehran during the Qajar period). Translated by Nasim Majidi Ghah-

roudy. *Vaqf Mirās-e Jāvidān*, 7(4) (series 28), pp. 115 – 122.[Persian]

Zarinkoub, Rouzbeh. (1380/2001). “Vali’ahdvama’sale-ye jānešinar ‘asr-e Sāsāni” (Crown prince and the issue of succession in the Sassanid era). *Bāstān-šenāsiva Tārix*, 14(2), pp. 11 – 15.[Persian]

Dissertation

Ahmadi, Nozhat. (1380/2001). “*Nahād-e vaqf, degarguni-hāvakār kard-hā-ye farhangi-mazhabi-ye āndar ‘asr-e Safavi*” (The institution of waqf, its changes and cultural-religious functions in the Safavid era). [Doctoral dissertation]. Faculty of History, University of Esfahan.[Persian]

Interview

Mirhosseini, Fatemeh (Custodian of Maryam Beigom Endowment). (1398/2019). Kermān: Daftar-e Mowqufe-ye Maryam Beigom.[Persian]

